



دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده هنر

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

پژوهش هنر

هنر معاصر ایران در رویکرد به بازار جهانی هنر

سرکار خانم دکتر رهبرنیا

سرکار خانم دکتر موسوی لر

نرجس کریمی

مهرماه ۱۳۹۰





دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده هنر

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

پژوهش هنر

هنر معاصر ایران در رویکرد به بازار جهانی هنر

سرکار خانم دکتر رهبرنیا

سرکار خانم دکتر موسوی لر

نرجس کریمی

مهرماه ۱۳۹۰

کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به دانشگاه الزهراء(س) است.

چکیده

اثر هنری موجودیتی کاملاً قائم به ذات نیست، بلکه عواملی خارج از مقوله هنر، مانند: شرایط زندگی‌نامه‌ای، شرایط اقتصادی، وضعیت اجتماعی جامعه، فرهنگ و هویت هنرمند، حامیان و جهان پیرامون هنرمند نیز در خلق اثر تأثیرات مهمی دارند. توجه این تحقیق متمرکز بر تأثیرپذیری هنرهای تجسمی معاصر ایران (در تنوع سه‌گانه‌ی نقاشی، عکاسی و هنرهای جدید) از عواملی همچون: اقتصاد جهانی هنر، هنر و جهانی‌شدن و حامیان داخلی و خارجی آن، در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا کنون می‌باشد. این پژوهش تحقیقی کاربردی است که اطلاعات مربوط به روش‌شناسی خود را به شیوه توصیفی-میدانی-اسنادی کسب نموده است. جامعه آماری این تحقیق شامل آثار هنرمندان معاصر ایرانی، لیست فروش آثار آنان در نمایشگاه‌های خارجی و نقدهای مرتبط به این آثار (نوشته شده توسط منتقدان داخلی و خارجی) می‌باشد. روش نمونه‌گیری و حجم تقریبی نمونه نیز به صورت انتخابی-تصادفی می‌باشد.

هنرمندان پیشروی ایران، تحت تأثیر مسایل جهانی‌شدن و دغدغه‌های محلی/جهانی آن قرار دارند. اما بدلیل کم‌رنگ شدن تأثیر حامیان دولتی؛ هنرمندان نیز برای همراهی با شرایط حامیان خصوصی ایرانی و بازارهای بزرگ خارجی خلاقیت خود را تحت تأثیر سلیقه خریدار، محدود می‌نمایند. گرچه کارنامه هنر معاصر ایران در چهار سال اخیر بیشتر دارای اقبال اقتصادی بوده است تا فرهنگی، اما خیزش هنر معاصر ایران در رویکرد به بازار جهانی هنر به صورت کلی مثبت و در راستای فرصت‌سازی، بسیار مغتنم است. بازارهای معتبر جهانی امکان دیده و نقد شدن را در اختیار هنرمندان ایرانی قرار می‌دهند و با توجه به نشانه‌های اقبال اقتصادی که مبین کیفیت این آثار است، به نظر می‌رسد که در آینده‌ای نزدیک شاهد دستیابی هنر معاصر ایران به جایگاه ویژه خود در افق‌های بزرگ جهانی خواهیم بود.

واژگان کلیدی: هنر معاصر ایران، جهانی‌شدن، بازار جهانی هنر، فرهنگ، هویت، خود.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۲	موانع پژوهش
۳	کلیات پژوهش
۶	پیشینه پژوهش
۱۰	▪ فصل اول: سازوکار معاصر اقتصاد جهانی هنر
۱۱	۱-۱- هنر و اقتصاد
۱۵	۲-۱- اقتصاد جهانی هنر
۱۶	۳-۱- هنر و جهانی شدن
۲۳	جمع‌بندی فصل یک
۲۵	▪ فصل دوم: حامیان و بازارهای هنر ایران
۲۶	۱-۲- رویکرد جهانی حمایت دولت‌ها از فرهنگ
۲۷	۲-۲- حامیان دولتی در ایران
۳۲	۳-۲- حامیان غیر دولتی
۳۵	۱-۲-۲- گالری دار/ واسطه
۳۹	۲-۲-۲- مخاطب و مشتری
۴۱	۳-۲-۲- منتقد

۴۴ بازارهای بزرگ خارجی
۵۰ ۱- هنر معاصر ایران در عرصه بازار جهانی
۵۹ جمع‌بندی فصل دو
۶۶ فصل سوم: تحلیل بن‌مایه‌های جذاب هنر معاصر ایران
۶۷ ۱-۳- سبک و قالب
۶۹ ۱-۱-۳- توجهی تازه به عکاسی و هنر جدید در هنر معاصر ایران
۷۴ ۲-۱-۳- نقاشی
۷۹ ۲-۳- مضامین آثار در تنوع سه‌گانه (نقاشی، عکاسی، هنرهای جدید)
۸۳ ۱-۲-۳- خاص‌گرایی
۸۶ ۲-۲-۳- نیوآرینتالیسم در پاسخ به توقع مخاطب غربی
۸۸ ۳-۲-۳- خودنمود در نمایش زندگی زیسته
۹۳ ۴-۲-۳- خودنگاری
۹۵ جمع‌بندی فصل سه
۹۹ نتیجه‌گیری
۱۰۹ نکاتی در باب ایده‌آل مطلوب
۱۱۲ فهرست منابع فارسی
۱۱۷ فهرست منابع لاتین
۱۱۸ فهرست منابع تصویر
122 ABSTRACT

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۱۸	جدول ۱-۱ مقایسه سبک و ذائقه مدرن و پست‌مدرن
۵۷	جدول ۱-۲ موفق‌ترین فروش آثار هنرمندان معاصر ایرانی تا سال ۲۰۱۱

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۴۶	نمودار ۱-۲ نمودار سیر درآمدهای حراج ساتبیز بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۱
	نمودار ۱-۳ مجموع فروش آثار هنرمندان معاصر ایران در کلیه حراج‌های کریستیز
۱۰۶	از سال ۲۰۰۸ تا ۲۸ جولای ۲۰۱۱

فهرست تصاویر

صفحه	عنوان
۲۰	تصویر ۱-۱ شهزیا سکندر؛ بدون مرزها
۲۰	تصویر ۲-۱ شهزیا سکندر؛ ارکان لذت
۲۰	تصویر ۳-۱ شهزیا سکندر؛ شماره ۱ از مجموعه تصویرسازی
۴۸	تصویر ۱-۲ ماکت موزه لوور شعبه ابوظبی
۵۰	تصویر ۲-۲ فرهاد مشیری؛ الله اکبر
۵۲	تصویر ۳-۲ پرویز تناولی؛ دیوار / اوه پرسپولیس
۵۳	تصویر ۴-۲ محمد احصایی؛ هوالرحیم
۵۳	تصویر ۵-۲ حسین زنده‌رودی؛ چهار باغ
۵۵	تصویر ۶-۲ فرهاد مشیری؛ نقشه ایران
۵۵	تصویر ۷-۲ فرهاد مشیری؛ چشم انداز سنگر
۵۵	تصویر ۸-۲ افشین پیرهاشمی؛ شعف
۷۱	تصویر ۱-۳ شهاب فتوحی؛ سرشماری

- تصویر ۳-۲ پیمان هوشمندزاده؛ Alcoholisms ۷۱
- تصویر ۳-۳ سیمین کرامتی؛ خاک ۷۲
- تصویر ۳-۴ نیوشا توکلیان؛ گوش کن ۷۲
- تصویر ۳-۵ فریده شاهسوارانی؛ خواهم آمد ۷۲
- تصویر ۳-۶ امیر موبد؛ بیا نوازشم کن ۷۳
- تصویر ۳-۷ سیفا.. صمدیان؛ ایستگاه سفید ۷۳
- تصویر ۳-۸ منیر فرمانفرمائیان؛ در عمق دریا ۷۶
- تصویر ۳-۹ الناز جوانی؛ آرپا ۷۶
- تصویر ۳-۱۰ گلناز فتحی؛ بدون عنوان ۷۶
- تصویر ۳-۱۱ امیر فرهاد؛ گی گی ۰۲ ۷۶
- تصویر ۳-۱۲ نازگل انصاری‌نیا؛ بدون عنوان ۷۶
- تصویر ۳-۱۳ پویا آریان‌پور؛ شکستن ۷۷
- تصویر ۳-۱۴ حسین زنده‌رودی؛ نام اول ۷۷
- تصویر ۳-۱۵ فرهاد مشیری و شیرین علی‌آبادی؛ همه ما آمریکایی هستیم ۸۱
- تصویر ۳-۱۶ فرهاد مشیری و شیرین علی‌آبادی؛ تحمل نابدباری ۸۱
- تصویر ۳-۱۷ محمود بخشی‌مؤخر؛ از خون جوانان وطن لاله دمیدست ۹۱

تصویر ۳-۱۸ بهرنگ صمدزادگان؛ طرح امنیت اجتماعی ۹۲

تصویر ۳-۱۹ خسرو حسنزاده؛ بدون عنوان ۹۲

تصویر ۳-۲۰ مانیا اکبری؛ آیا او مانیا است؟ بله. مطمئنی؟ ۹۴

تصویر ۳-۲۱ شیرین علی‌آبادی؛ بانوی تلفیقی ۹۴

مقدمه

شرایط جهانی شدن موقعیتی حساس را در برابر هنرمندان خلاق ایرانی قرار داده است. هنرمندان ایرانی به واسطه حضور در امواج جهانی شدن و گسترش شبکه‌های ارتباطی در حال ورود به موقعیت شهروند جهان‌وطنی هستند. بدین واسطه هنرمندان به ارزش‌های هویت، فرهنگ و خاص بودن خود در موقعیت فراپست مدرن پی‌برده‌اند. در جهان جهانی شده‌ی معاصر، فرهنگ، جایگاه نخست قدرت را به خود اختصاص داده زیرا نه تنها «فرهنگ مجموعه‌ای از ویژگی‌های متمایز مادی، معنوی، فکری، احساسی جامعه یا گروه اجتماعی است و هنر، ادبیات، شیوه‌های زندگی، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات را شامل می‌شود.» (کمسیون ملی یونسکو، ۱۳۸۴)؛ بلکه بدین گونه قادر است، با قدرت سیاست‌های فرهنگی خود به جامعه انسانی جهت ببخشد. هنرمند پیشروی ایرانی نه تنها در پی نفی ارزش‌های گذشته نیست؛ بلکه مترصد برقراری گفتمانی نو؛ بین گذشته و حال، همچنین خود و دیگرهای فرهنگی فاصله‌دار است. به همین علت بخش بزرگی از آمال هنرمندان جوان ایرانی را بین‌المللی شدن و ورود به عرصه تعاملات تأثیرگذار جهانی تشکیل می‌دهد، که البته با حضور چشم‌گیر و مؤلف هنر ایران در بازارهای جهانی از بهمن سال ۱۳۸۷ تا کنون دیگر چندان هم دور از دسترس نمی‌نماید.

سبک و بن‌مایه‌های هنرهای تجسمی معاصر ایران به خصوص در حیطه‌های عکاسی، نقاشی و هنر جدید، آشکارا متأثر از دغدغه‌ها و مسایل جهانی شدن می‌باشد؛ که با استفاده هنرمندان از اشکال متنوع و چندرنگه به توانایی‌های نویی نائل آمده و موجب کسب جایگاهی وزین در هنر منطقه غرب آسیا و همچنین اقبال در بازارهای معتبر جهانی شده است.

مواع پژوهش

بررسی ابعاد و پیش زمینه‌های رویکرد هنر معاصر ایران به بازارهای جهانی که این تحقیق بر آن متمرکز شده، نه تنها هدفی ضروری است بلکه چون نبض امروز در آن می‌تپد، مقوله‌ای بسیار بکر و جدید است. همین امر باعث گشته، که تا کنون تنها انگشت‌شمار منبع کتابی (آن هم تنها متعلق به ناشران خارجی) اختصاصاً به هنر معاصر ایران بپردازد و باقی مراجع، رسانه‌هایی مانند مجلات هنری، سایت‌های اینترنتی، جلسات نقد و بررسی، همایش‌ها و حتی مصاحبه‌های اختصاصی؛ در یک کلام کاملاً ژورنالیستی و میدانی و نه دانشگاهی و کتابی تشکیل دهد. در این میان مباحث مربوط به حامیان و بازارهای هنر ایران، علی‌رغم اهمیت‌شان پیچیده‌ترین مصائب را دارند. علی‌رغم شرایط مذکور، اهمیت هنر معاصر ایران و همین‌طور فقدان اطلاعات علمی فارسی در این باب، محرک لازم و حتی کافی برای نگارنده است تا بدون توجه به مشکلات ناامید کننده فراوان، معتقد به تلاش و گردآوری این تحقیق باشد. اهم مشکلات این پژوهش را در گزینه‌های ذیل باید عنوان نمود:

- نبود امکان دسترسی به معدود منابع مکتوب ناشران خارجی و در مقابل رواج فرهنگ اطلاعات شفاهی و ژورنالیستی، در حیطه علمی داخلی و تنها وجود ۴ نفر اساتید معتبر ایرانی که در بررسی این حیطه مؤلف و صاحب نظر هستند^۱.
- جدید بودن حوزه مطالعاتی و در نتیجه فقدان واژه‌های گویا، مورد تأیید و فرهنگستانی برای اصطلاحاتی مانند: نیوآرینتالیسم، اگزوتیک، کیج، زندگی‌زیسته، مُدواره و...
- حامیان دولتی: نبود اطلاعات جامع و روشن از وضعیت اقتصاد هنر ایران، عدم همکاری و بی‌توجهی به پژوهش‌گران.

۱- دکتر حمیدرضا کشمیر شکن، حمید سوری، دکتر علیرضا سمیع آذر و دکتر بهنام کامرانی.

- حامیان غیردولتی: بی‌اعتمادی رایج در جامعه هنری، همراه با محفل‌محوری و شرط عضویت در حلقه دوستان منتقدان، گالری‌داران و کلکسیونرها جهت کسب اطلاعات و مصاحبه با فعالان این عرصه.
- ضعف روابط عمومی در ۹۵٪ گالری‌ها در اطلاع‌رسانی، که موجب بدون بازتاب ماندن فعالیت‌ها و موفقیت‌های خارجی هنرمندان در حیطه‌های اطلاعات درون مرزی شده است. در نهایت، علی‌رغم تمامی مشکلات غیرقابل اغماض، همین‌طور نبود امکانات و مراجع دانشگاهی و مدون، بازهم چیزی از ارزش و اهمیت کنکاش در این موضوع و نمایش ابعاد موقعیت آن برای نگارنده و دیگر علاقه‌مندان هنر معاصر ایران نخواهد کاست.

کلیات پژوهش

نگاه این پژوهش معطوف به بررسی گرایش‌ها و دغدغه‌های عمده هنرمندان جوان معاصر، به خصوص در رویکرد به بازارهای جهانی هنر؛ همچنین مطالعه تاثیرات متقابل هنر و اقتصاد جهانی هنر بر هنر معاصر ایران می‌باشد؛ زیرا آنچه تحت عنوان کلی "هنر معاصر ایران" شناسایی شده: کاملاً معاصر، جهانی و حتی متأثر از سازوکارهای بازار هنر است. ضرورت چنین تحقیقی را در گزینه‌های زیر باید یافت:

۱. جایگاه با اهمیت و موفق هنر معاصر ایران در وقایع و بازارهای جهانی هنر.
۲. ضرورت کنکاش در تغییر سازوکارهای اقتصاد دنیای هنر، متأثر از شرایط جهانی شدن.
۳. ضرورت بررسی تأثیر سیاست‌ها و علاقه‌مندی‌های حامیان بر آفرینش آثار هنری.
۴. ضرورت آشکار کردن بن‌مایه‌ها و دغدغه‌های هنر معاصر ایران.
۵. ضرورت کنکاش در غالب و محتوای هنر ایرانی معاصر مورد علاقه بازارهای جهانی هنر.

در ادامه، اهداف پژوهش توسط گفتارها و فصول در جهت موضوع مورد بحث بسط داده خواهند شد. این اهداف را باید در اهمیت تحلیل اقتصاد هنر معاصر جهان جستجو نمود. در دنباله به این دلیل که اثر هنری به شدت متأثر از سازوکارهای تولید و فروش اثر در جهت بقای شغل هنرمند است؛ به وضعیت هنر معاصر ایران و اقتصاد آن در عرصه‌های داخلی و خارجی؛ همین‌طور روشن کردن روابط حامیان داخلی و خارجی هنر معاصر ایران با هنرمندان به صورت عمده و در اجزاء، اشاراتی به شرایط هنر معاصر ایران خواهد شد. در دنباله، کنکاش در غالب و محتوای آثار هنری معاصر به خصوص آثار موفق در بازارهای خارجی هدف بعدی این پژوهش است.

برای تحلیل هرکدام از مجموعه واژگان‌های عنوان پژوهش یعنی: **"هنر معاصر**

ایران در رویکرد به بازار جهانی هنر"؛ تلاش شده تا فرضیات، پنجره‌ای بر لایه‌های مرتبط

با موضوع بگشایند و هر فصل را نیز به مثابه پاسخی بر این فرضیات در نظر گرفته شده است:

۱. اقتصاد هنر معاصر جهان با سازوکارهای فرآیند جهانی‌شدن در هم تنیده شده است؛ به

طوری که مطلوبیت هنر معاصر را نیز به شدت متأثر از سیاست‌ها و شرایط فرهنگی خود

کرده است. ← **فصل اول**

۲. حامیان و بازارهای معاصر هنر ایران به دو گروه اصلی حامیان دولتی ایران و حامیان غیر

دولتی، که گروه اخیر شامل بخش خصوصی ایرانی و بازارهای بزرگ خارجی‌اند، تقسیم

می‌شوند. در برخی موارد مطلوبیت‌های این دو گروه در تقابل با هم قرار می‌گیرد، زیرا

دغدغه‌های ارزشی حامیان دولتی کاملاً متفاوت از سرشت حامیان غیر دولتی است، که

اغلب شدیداً متأثر از بازار خارجی هستند. ← **فصل دوم**

۳. سبک و بن‌مایه‌های آثار موفق هنر معاصر ایران به خصوص در عرصه بازارهای جهانی،

آشکارا متأثر از دغدغه‌ها و مسایل جهان جهانی‌شده است. مضامینی چون: خاص بودن،

نیوآرینتالیسم، زندگی زیسته و خودنگاری اصلی هنر معاصر ایران هستند. ← فصل

سوم

رویکرد این تحقیق "کاربردی" است، که با روش‌شناسی پژوهشی: توصیفی- میدانی- اسنادی به گردآوری و تحلیل اطلاعات از طریق جامعه آماری خود که شامل آثار هنرمندان معاصر و لیست فروش آثار آنان در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی و سیاست‌های حامیان آنان است به طُرق زیر می‌پردازد:

آمار، اخبار وقایع هنری، توسط بازدید از نمایشگاه‌های هنرمندان مورد مطالعه، شرکت در همایش‌های مرتبط با موضوع تحقیق، مصاحبه با مسئولان فرهنگی و هنری، مؤلفان، پژوهش‌گران، گالری‌داران، هنرمندان، منتقدان، روزنامه‌نگاران تخصصی هنرهای تجسمی و نمایشگاه‌گردانان معتبر، تجزیه و تحلیل داده‌های سایت‌های اطلاع‌رسانی، کتب، مجلات ایرانی و خارجی، عکاسی اختصاصی از آثار و شرکت در دوره‌های آموزشی مرتبط.

روش نمونه‌گیری این پژوهش؛ انتخابی و حجم تصادفی آثار ۵۰ هنرمند معاصر و مطرح در عرصه‌های داخلی و خارجی در نظر گرفته شده است. تجزیه تحلیل داده‌های آماری و تحلیل محتوای اطلاعات بر اساس فرضیه‌ها سعی در ارائه نقدی منصفانه و مثبت دارد.

نهاد یا موسساتی که می‌توانند از یافته‌های این پژوهش بهره‌گیرند، شامل چنین مجموعه‌هایی می‌شوند: موزه هنرهای معاصرتهران، فرهنگستان هنر ایران، مرکز هنرهای تجسمی وزارت ارشاد اسلامی، انجمن هنری الخوص انجمن هنرمندان نقاش ایران، خانه هنرمندان ایران، دانشگاه‌های هنری کشور می‌باشند.

پیشینه پژوهش

به گواهی تاریخ، هنر ایران همیشه در پناه حامیان قدرتمند دولتی ملی به سر می‌برده و حتی از حامی خود نه فقط پشتیبانی بلکه خطمشی نیز دریافت می‌کرده است. اما با افزایش و گسترش ارتباطات جهانی هنرمندان ایرانی، ضعف حمایت‌های دولتی و افزایش کنجکاوی جهانی نسبت به هنر معاصر ایران تغییری عمده در جایگاه حامیان هنر معاصر رخ داده است. "نقد آثار هنرمندان معاصر ایران" (پنجمین نسل هنرمندان از زمان تاسیس دانشگاه هنرهای زیبا) و "رویکرد آنان به بازارهای جهانی هنر" مقولاتی کاملاً نو در عرصه هنرهای تجسمی معاصر ایران هستند. آغاز رویکرد سال‌های اخیر نیز مشخصاً متعلق به ۱۲ بهمن ۱۳۸۵ و اولین حضور هنرمندان ایرانی در شعبه دبی حراجی کریستیز است. به دلیل تازگی این موج، فقدان نقد حرفه‌ای و ضعف ساختار برنامه‌ریزی و مدیریت نهادهای حمایتی دولتی در مجموعه‌هایی نظیر فرهنگستان هنر، مرکز هنرهای تجسمی، موزه هنرهای معاصر و دیگر نهادهای حمایتی و پژوهشی و نشریات علمی- پژوهشی مانند فصل نامه هنر و...؛ حداقل در ۱۰ سال اخیر کتابی جامع در باب هنر معاصر ایران مورد حمایت واقع نگشته و به چاپ نرسیده است. به نظر می‌رسد تنها انگشت شماری از پژوهش‌گران و منتقدان مستقل ساکن در ایران بر مقوله احاطه دارند. بنابر دلایل فوق، این پروژه پایانی به مقوله‌ای بسیار نوپا، با اهمیت، کم پیشینه، نیازمند تحقیق و اکثراً متکی به منابع میدانی و مباحث نو خواهد پرداخت.

حمید کشمیرشکن با چندین تألیف تنها مولف ایرانی کتاب در باب هنر معاصر ایران هستند؛ که با توجه به سابقه همیشگی جریان گُند ورود اطلاعات مکتوب به کشور، جامعه پژوهشی به زودی به این آثار دست نخواهد یافت. دیگر منتقدان ایرانی عمده این جریان ملی و مهم را؛ حمید سوری پژوهشگر و از اساتید مطرح دانشگاه‌ها و معدودی از منتقدان جوان متعلق

به هنرمندان نسل پنجم تشکیل می‌دهند. باید این قشر تاثیرگذار بر جامعه هنر ایران را از حیث سیاست‌های‌شان در سه گروه تقسیم کرد:

۱. منتقدان پژوهشگر و مؤلف.

۲. منتقدان حرفه‌ای بی‌طرف.

۳. منتقدان ژورنالیستی و حاشیه‌پرداز.

اما در بُعد بین‌المللی هنرهای تجسمی معاصر ایران برای منتقدان خارجی شناخته شده‌تر و متعین‌تر از فضای محجور داخلی است. هنرمندان جوان ایرانی به مثابه یکی از جریان‌های عمده هنر خاورمیانه و آسیا، خلاقانه، متفاوت، پرانرژی، کنجکاوی برانگیز و متأثر از شرایط فرهنگی-اجتماعی-سیاسی برشمرده می‌شوند

آثار هنرمندان تجسمی معاصر ایران متأثر از سرشت هنرمندان نسل پنجم و به نوعی براساس نظریات آرنولد هاووزر است، که جامعه را فرآیند هنر و هنر را فرآیند جامعه می‌شناسد. او برخلاف رمانتیک‌ها که اثر هنری نامربوط به عصر خود را می‌ستایند، معتقد می‌باشد که هنرمندان بزرگ با شرایط اجتماعی و تاریخی‌شان مرتبط‌اند و خلاقیت‌های آنان بیشتر متأثر از این شرایط است. (هاووزر، ۱۳۸۲)

در ادامه این مفهوم حمید کشمیرشکن رویکردهای هنر معاصر ایران در چهل سال اخیر را مورد بررسی قرار داده و معتقد است که به واقع می‌توان رابطه‌ای عمیق بین جریان‌های فکری کشور و حرکت‌های هنری پیدا کرد. مسایل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، جریان موسوم به روشنفکری، تفکر بومی‌گرایی (در سال‌های ۱۳۴۰)، تأثیرات اتفاقات و جریان‌های هنری کشورهای دیگر بر هنر و جامعه معاصر ایران همگی از اهمیت خاصی برای شکل‌دهی به هنر معاصر ایران برخوردارند. او هنر ایران را پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دوره‌های متفاوتی تقسیم کرده است؛ از ابتدای انقلاب تا پایان جنگ تحمیلی، بعد از جنگ تا ۱۳۷۰ و

سرآخر هنر ایران پس از ۱۳۷۰ به بعد، که با ظهور نسلی از هنرمندان جوان یکباره نوعی گرایش وسیع به عناصر سنتی و هنر بومی ایران ایجاد می‌شود. اما هنرمندان نسل پنجم ایران با تعلق به هویت‌های فرهنگی و پیشینه‌ی فوق‌آثاری با شاخصه‌های بارز اجتماعی و انتقادی خلق می‌کنند؛ البته نیز نمی‌توان پوشیده داشت که طیف وسیعی از هنرمندان کشور همچنان به جریان هنر خنثی گرا تعلق دارند. (کشمیرشکن، ۱۳۸۵)

در دنباله بررسی پیشینه این پژوهش لازم به ذکر است که؛ یکی از دلایل عمده "رویکرد هنر معاصر ایران به بازار جهانی هنر" ذائقه و علاقه‌مندی حامیان، خریداران و دریافت‌کنندگان خارجی است که به هنرمندان جوان جویای نام ایرانی و میانجیان آنان گدھا و انگیزه‌های مشخصی می‌دهد. به تعبیر ناتالی هینیک؛ این جریان‌های ناشی از بازی سه جانبه‌ی میان تولیدکنندگان، میانجیان و دریافت‌کنندگان است. هینیک معتقد است، که اثر هنری جایگاهی نخواهد داشت؛ مگر در پرتوی همکاری شبکه‌ی پیچیده‌ای از کنش‌گران اجتماعی، بازرگانان که آن را در معرض داد و ستد قرار دهند، مجموعه‌دارانی که آن را خریداری کنند، منتقدانی که آن را نقد کنند و تماشاگرانی که آن را ببینند. (هینیک، ۱۳۸۷)

جانث ولف، استاد جامعه‌شناس هنر، نیز عناصر فوق‌زیبایی‌شناختی را در قضاوت‌های زیبایی‌شناسانه ناب دخیل می‌داند. ایشان معتقدند که هنرمند تابع سلیقه‌ها، امیال و تصورات زیباشناسانه آنانی است که در بازار نفوذ دارند، او نمی‌تواند به مقتضیات بازار بی‌اعتنا باشد. این مقتضیات غالباً در محتوای کار هنری و هم‌شکل آن موثر هستند. این حقیقت وجود دارد که هنری موفق شده که از طریق "خرید" به دست همگان برسد، که موفقیت خود را از طریق ساختارها و فرآیندها اجتماعی گوناگون کسب کرده باشد، نه فقط به دلیل اینکه هنر "اعلایی" بوده به این موفقیت دست یافته است. (ولف، ۱۳۶۷) اساتید و منتقدان معاصر در

نقدهای‌شان بر این نکته تاکید دارند، هنری که تابع بازار باشد هنری بازاری خواهد شد و از منظر کلی بازار هنر را به چهار شخصیت وابسته می‌دانند:

- هنرمند
- کلکسیونر
- دلال
- نویسنده/ منتقد هنری

از منظر ایشان رویکرد به بازارهای جهانی هنر برای ایران می‌تواند نمادی از رشد هنر محسوب شود و توجه بسیاری از سرمایه‌داران را به این نکته که آثار هنری نیز سرمایه محسوب می‌شوند معطوف دارد. ولی نکته منفی این رویکرد نیز، مطرح شدن تنها، روزنه‌ای برای فروش و نام جویی در سطح بین‌المللی است و به علت فقدان سلیقه‌های متنوع، سلیقه خریدار بر روند تولید آثار تاثیر بیش از حد می‌گذارد. (سوری، ۱۳۸۸)

منتقدان جوان و معاصر در نقدهای خود در مجلات و جراید هنری کشور معتقدند که آنچه غربی‌ها در آثار هنری معاصر ایران می‌جویند: تصویر زن ایرانی، تروریسم، تصاویر مردان لنگ پوش، کله پاچه، دشنه و شلیته و تلفیق خط نستعلیق است. البته این منتقدان نیز با تاکید بر اینکه رقابت فقط برای وصول به بازارهای جهانی، هنر را فاسد و بدون خلاقیت خواهد کرد؛ خاطر نشان می‌کنند، که در گستره جهانی نیز شرایط اقتصادی هنر به نگرانی طبیعی و عمومی هنر معاصر جهان تبدیل گردیده است. (نظری، ۱۳۸۵)